

کلمات هم معنی

مقداری: کمی

پاشید: ریخت

نور باران: نورانی ، درخشان

جمعیت: عده ای از مردم

زیارت: رفتن به یک مکان مقدس

برمی چیدند: برمی داشتند و می خوردند

فراموش نمی کند: از یاد نمی برد

داخل شد: وارد شد

تماشا کرد: نگاه کرد

میان: وسط ، بین

گل دسته: مناره

چلچراغ: لوسترهای بزرگ

هرگز: هیچ وقت ، اصلاً

کلمات مخالف

نزدیک \neq دور

بهتر \neq بدتر

اول \neq آخر

داخل \neq خارج

بزرگ \neq کوچک

زیر \neq رو